

## ماهیت واقعی تمدن غرب!

سخن را بدانجا رساندیم که : غربی‌ها برای حفظ موقعیت های سیاسی و برپاداشتن جسد بی جان سروری و استعماری خود «تحت عنوان متمدن تر بودن» بناوین مختلف و با وسائل مجهز تبلیغاتی، ما و مقدسات ما را بیاد مسخره گرفته، و هیچ فرصتی را برای استهزاء و تحقیر ملل شرق اذست نمیدهند. و برای نمونه چند مرحله از تبلیغات شوم آنها را راجم ذکر نمودیم.

در پایان باین نتیجه رسیدیم که یکی از عکس العمل های مؤثر و مفید شرقی ها برای مبارزه با عناصر سودجو، اینستکه ملل دیگر از جمله غربی ها و «ماهیت تمدن جدید» آنها را بهتر بشناسند، و بر موزمختلف زندگی روزمره آنها بیشتر پی برده، و آنها را آنطوری که هستند در پیش خود مجسم نمایند.

عرض کردیم که پیشرفتهای اقتصادی و صنعتی ملل غرب که معلول کشمکش های سیاسی و اقتصادی قرون اخیر است، خود بحث مفصل و جدا گانه ای دارد که از عهده این نوشته خارج است، چون اصولاً بحث اقتصادی و صنعتی مربوط بیک مجله اقتصادی و صنعتی است. مثلاً اگر سازمان برنامه ما نشریه ای داشته باشد باید وارد قسمت های اقتصادی و مادی این بحثها بشود و سعی کند تار موز پیشرفت اقتصادی آنها را از روی واقع دریافته، و برای پیشرفت و برنامه های آینده خود از آنها استفاده نماید .

واضح است که پیشرفت در صنعت و اقتصاد بهیچ وجه دلیل نمی شود که این ملل، ما را در مراحل دیگر زندگی بمسخره گرفته، و در تمام شئون زندگی ما را «عقب افتاده» بیندارند و در نتیجه هر عملی را که خود مرتکب می شوند موجه و صحیح بقلم آورده، و از تمام اخلاق و رفتار و طرز زندگی ما، در راه استفاده تجارتي تبلیغات و استعمار ایرادهای بنی اسرائیلی گرفته و بما بنظر حقارت بنگرند.

در هر صورت ماسی می کنیم در طول و ادامه این نوشتجات بر موز زندگی روزمره

غربی‌ها و طرق تربیت و اخلاق آنها در شئون مختلف بیشتر تعمق و تفکر کرده حتی الامکان آنها را موشکافی نمائیم، باشد که خود خوانندگان محترم با تفکر بیشتر، در اطراف آن و مقایسه آن باطرز فکر و عمل خود کم و بیش ماهیت واقعی تمدن غرب را دریافته و با درک حقایق درباره این دسته از مردم جهان، شاید بتوانند وضع خود را نسبت بسایر ملل روشن تر محس کنند.

در مواقعی که انسان بخواهد در اطراف این موضوعات موشکافی نماید، واضح است که دیدن زرق و برقهای ظاهری مردم، و عکس برداری از ساختمانها و خیابانهای زیبا و امثال آن کفایت نمی‌کند، بلکه اگر چند نفر رهگذر شیک پوش و شوخ و خندان را دید آن وقت بماهیت زندگی آنها بهتر آشنا میشود که فرضاً آنها را در محیط خانواده، در محیط کار و امثال آن دیدار نماید و بحالات زندگی آنها پی برده و اطلاع کافی بیابد.



### جهنم زنان

چند سال پیش بود که من در مجله تهران مصور چاپ تهران خواندم که خانمی از فرانسه دیدن نموده، و پس از برگشت در طی مقاله‌ای که از گردش خود در پاریس تهیه کرده بود، پاریس را بجای «بهشت زنان» که می‌نامند «جهنم زنان» نامیده بود، بعد يك نفر فرانسوی در شماره‌های بعد با دلائل دیگری با اصطلاح خودش ثابت کرده بود، که شما ای خانم يك مسافر رهگذری بوده‌اید و نتوانسته‌اید حقیقتاً معنی بهشت زنان را درک نمائید و آن خانم هم دوباره پاسخ داده بود که اتفاقاً وقتی کسی بجای مسافرت می‌کند، اغلب بهتر از اهالی خود آنجا، از جاهای دیدنی و گردشگاههای مورد نظر بازدید می‌نماید و خود اهالی نمی‌توانند درباره خود و وضع خود قضاوت نمایند، چون وسیله مقایسه‌ای در دست ندارد، توجه بفرمائید اگر آن خانم ایرانی در آن وقت با چشمی تیز بین تر و بی پرده، موشکافی کرده و ثابت می‌نمود، که پاریس واقعاً جهنم زنان است، دیگر آن شخص فرانسوی هم دلیلی نداشته و بخود هم جرأت نمیداد، که با و پاسخ گوید و بفر فرض جواب دادن دلائلش آنقدر پیش پا افتاده می‌بود که احتیاجی بجواب مجدد آن خانم ایرانی نبود.

بنابراین برای درک واقعی مطالب، باید بی پرده تراز معمول سخن گوئیم، و امید داریم خوانندگان گرامی مطالب مختلف این نوشته‌ها را از عفت قلم بدور ندانند، باشد تا خود در پایان دریابند، که شرح و درک حقایق، ارزش و فوائد بیشتری در بردارد.



### نمونه های آزادی

چنانکه قبلاً گوشزد نمودیم اروپایی‌ها اختلافات بسیاری که در طرز زندگی با شرقیها

دارند آنها را نمونه بارزی از پیشرفت و تمدن خود میدانند، یکی از موارد مهم این ادعاهای غربی ها که بی اندازه بدان می بالند و آنرا مشتی از خروارت کامل و تمدن میدانند، آزادی و معاشرت بی قید و شرط دختران و پسران و اصولاً آزادی جوانان می باشد. بد نیست که کمی به عقب برگردیم و ببینیم این آزادی! از کجا شروع شده و چطور در نهاد جوانان رخنه می یابد؟

... اصولاً کودکان در حدود شش سالگی وارد مدارس ابتدائی می گردند، مدارس اغلب بصورت مختلط اداره میشوند. بواسطه وجود بیش از حد وسائل تفریح و خوشگذرانی در محیط خانواده ها و نیز در خارج، و استفاده کافی از برنامه های تلویزیونی و سینما و رادیو امثال آنها، کودکان اروپائی خیلی جری و شرور بازمی آیند و در موقع ورود به مدرسه از خیلی چیزها! سردرمی آورند، که شاید مادر سنین جوانی آنها را درک نمائیم. ناکفته نماند که پیشرفت کافی بهداشت که مبدأ اقتصادی دارد، باعث شده که مرگی و میر و امراض اطفال خیلی کمتر بچشم بخورد!!

در مدارس برنامه های درس طوری تنظیم شده که درس هایی از قبیل موسیقی - نقاشی - ورزش و امثال آنها طرفدار بیشتری دارند، و کودکان از کوچکی بساین نوع دروس علاقه بیشتری بخرج میدهند، تادروس علمی!

کلاس ها یکی پس از دیگری طی میشوند. کودکان کم کم بسنین بلوغ میرسند، واضح است که در این سنین شور و هیجان جوانان بیش از معمول است. پسران شروع بکشیدن دخانیات نموده و دختران هم اوقات خود را بیشتر صرف آرایش و رنگ آمیزی، و گردش در خیابانها می نمایند، و درشنا، رقص و ورزش گوی سبقت را از یکدیگر می ربایند، و هر کدام رفیقی خصوصی برای خود انتخاب می کنند.

اگر در مواقعی که هوا کمی خوب باشد و انسان از کنار مدارس و ورزشگاههای مربوط بآنها عبور کند، می بیند که دختران باشورتهای کوتاه مخصوص درهم می لولند و دنبال توپ این طرف و آن طرف میدوند.

مدارس دخترانه و ورزشگاههای مربوط بآنها اغلب بدون دیوار در معرض تماشای عموم هستند تا تمام مردم از تظاهر آزادی تمدن غرب حداکثر استفاده را بنمایند!

دانش آموزان دوازده سیزده ساله و یا کمتر و بیشتر در کنار ستونها و درختها ایستاده، درزنگهای تفریح یا سیگار دود نموده و یا چشم چرانی می کنند، اگر زمانی بنزد آنها برویم و بسخنان آنها گوش کنیم می بینیم، یا از یکدیگر سیگار طلب می نمایند، و یا در اطراف فیلم های جدید سینما، صفحات جدید موسیقی، و یا دختران همشاگرد بحث و جدل می کنند، اغلب دخترگان همشاگرد را صدا کرده و از آنها وعده ملاقات و گردش می گیرند، چه بسا که

این دخترهای نورس اروپائی در هفته با چندین جوان وعده گذاشته و بگردش میروند ، ناراحتی آنها وقتی ایجاد میشود که پدران یا مادران آنها از داشتن رفیقاً اطلاع یافته، و آنها را کنترل نمایند!

در آن صورت از گفتن هیچ دروغ و داستانی برای گول زدن والدین، و به گردش رفتن باک ندارند، و بعنوان گرفتن کتابچه و غیره مقصود خود را عملی می نمایند .

امروزه اروپائی ها خیلی بفکر تجد و تمدن هستند، سعی می کنند همیشه در هر موضوعی آزادی را مراعات نمایند، از جمله اینکه اخیراً فکرتازه تری برای استفاده از آزادی کرده اند، و آن اینست که می گویند: چرا بایستی آموزگار در اول کلاس در یک میز و صندلی جداگانه بنشیند؟ و شاگردان هم همه در میز و نیمکت پشت سر هم؟ نه این مخالف آزادی است.

خلاصه آمده اند و در اغلب کلاسها میز و نیمکتها را دایره وار، درست کرده اند بطوری که آموزگار بیچاره هم باید مثل تمام شاگردان دور میز گرد بنشیند، و از لحاظ جای نشستن هم فرقی با شاگردان نداشته باشد!

و یا اینکه شاگردان در موضوعات مختلف درس اعم از اینکه اصلاً فکرتشان برسد یا نه بایستی اظهار نظر نموده، و بدین وسیله وقت کلاس هارا بی نتیجه بگذرانند، و در عوض از کلمه آزادی حداکثر استفاده را کرده باشند .

البته تعلیمات اجباری برقرار است و شاید کسی دیده نشود که کودکش را بمدرسه نگذارد اما در اثر این طوری بند و بار تحصیل کردن ، روز بروز حس احترام به پدر و مادر، آموزگاران، و سایرین در روحیه این جوانان از بین می رود.



خانواده ای را می شناسم که مانند تمام خانواده های دیگر دختری داشتند که بمدرسه میرفت، وقتی این دختر از مدرسه بمنزل می آمد گرامافون را روشن کرده و صفحه های رقص های تند را که اندرول و «چاچاچا» و غیره را گذاشته، پیچ گرامافون را تا آخرش می - گرداند بطوری که گوش همسایه هارا گرمی کرد، حرفهای پدر و مادر و همسایه ها در او مثل سابر نونالان ابدأ تأثیری نمی کرد!

دخترک کوچولو آزاد بار آمده و با بقول مادرش بچه های امروزی حرارت زیاد دارند! آری اینست معنی آزادی و حرارت! یا اینکه موقع مدرسه و گردش رفتن مدتی طولانی پشت آینه قرار گرفته مشغول آرایش و رنگ آمیزی می گشت، و با وجود اصرار و تمناهای پی در پی مادرش حاضر نمیشد، حتی یک دقیقه هم او را در کارهای منزل کمک نماید.

یا اینکه روزی منزل یکی از دوستان بودم، وقتی از پنجره بحیاط نگاه کردم منظور از

حیاط محوطه ایست که جلوی برخی از منازل برای گل کاری و درخت کاری وجود دارد و بخارج یعنی کوچه و خیابان فقط با کمی سیم یا نرده های آهنین محصور می گردد بنابراین حیاط بمعنی واقعی در اروپا وجود خارجی ندارد، بی اختیار چشم بدخترک صاحبخانه که تقریباً سیزده چهارده سال داشت افتاد که بالانس زده و سرش را روی سبزه (وپاها را بطرف بالا بلند می کند.) بطوری که برای من خیلی زننده بود و توجه عابری را بخود جلب کرده بود. اتفاقاً موقع خدا حافظی از دوستم مادر دخترک را در راه رو دیدم باو گفتم به عقیده من خوب نیست که شما بدخترتان اجازه بدهید، تا او از حال این طور بی بند و بار بار بیاید، در مقابل چشم همسایه ها و عابری س می کند بعنوان «ورزش» و «ژیمناستیک» خود را نیمه عریان بسایرین نشان دهد!

در جوابم گفت: ای آقا اینجا اروپاست آزادی است! من نمی توانم جلوی دخترم را بگیرم که چرا جلوی چشم سایرین بالانس زده و ژیمناستیک می کند! این که عیب نیست! ....

چندی گذشت و اتفاقاً گذر من دوباره بآن منزل افتاد ناگهان مادر دخترک آمد جلوی من که فلانی میدانی چه اتفاقی افتاده؟  
گفتم نه. بعد گفت:

دیروز دیدم مثل بعضی روزها وقت دیر شده و دخترم از مدرسه نیامده، ناچار برادرش را که موتور سواری دارد بدنبال او فرستادم، بعد که او سراغ همشاگردهایش رفته و می پرسد آنها باومی گویند، که آری خواهر تو بایکی از پسرهای همشاگرد که موتور دارد سوار شده، و از آن طرف رفتند برادرش هم ناچار با موتور دنبالش آنها میرود، و پس از گردش زیاد بالاخره در کنار شهر، موتور پسرک را یافته پیاده شده، و آهسته پیش می رود می بیند بله دخترم با پسرک مشغول راز و نیازند؟! خواهرش را برداشته و به پسرک می گوید اگر باردیگر تکرار شود می آیم و بوالدینت می گویم، بعد مادر دخترک ادامه داد که حالا دستور داده ام تا دخترک روز تعطیل را بعنوان جریمه در منزل بماند..

باو گفتم یادتان هست آنروز من گفتم خوبست کمی او را کنترل کنید، شما حرف مرا مخالف آزادی پنداشتید، و حالا این اتفاقات و سدها امثال آنها نتایج این طور آزادیها است.

«باش تا صبح دولت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است»

و گذشته از آن پسرک همشاگرد چه ترسی دارد که پسر شما دفعه بعد برود، و بوالدینش بگوید، والدین او هم مثل شما برای آزادی بیشتر اهمیت قائل خواهند بود، تا

عفت و اخلاق ، و برای آنها هیچ مهم نیست که پسرشان رفیقه های بی شماری داشته باشد .

بایه آزادیهای بی جا و فساد اخلاق که تحفه تمدن غرب است در همین ایام کودکی و سنین جوانی در غربی ها پایه گزاری میشود . دخترها و پسرها که هنوز بسن قانونی نرسیده اند ساعات معینی را از پدر و مادرشان اجازه می گیرند ، تا بگردش یاسینما بروند ، در جلوی کافه های عمومی اغلب جوانان کم سن ایستاده مشغول سیگار کشیدن چشم چرانی یا چرند گوئی هستند ، دختران چهارده پانزده ساله و یا کمتر و بیشتر هم که آمادگی متقابل دارند ، اغلب مثل ستارگان سینما صدقلم آرایش کرده ، و بالباس های کوتاه جورابهای نایلون ؛ و کفش های پاشنه بلند ، مشغول گردش و تفریح می باشند ، می ایستند و با آنها صحبت کرده ، یا قرار ملاقات می گذارند ، و یا باهم سینما رفته ، بدین وسیله از آزادی حداکثر استفاده را می برند .



### مراکز فساد مخصوص جوانان :

دولتهای غربی هم که از همین مردمان تشکیل شده اند در داشتن ابتکار و آماده نمودن وسائل مورد نیاز ید طولانی دارند . مثلاً اخیراً گفته اند چون کافه های رقص و شب نشینی برای جوانان کمتر از هیجده سال ممنوع است ، و آنها هم باید از مظاهر تمدن غرب و آزادی استفاده کافی بنمایند ، لذا بایست کافه های مخصوص رقصی را باز کرد تا مخصوص جوانان باشد ، و بتوانند اوقات خود را با خوشی و شادی بگذرانند!

در نتیجه اکنون در اغلب شهرهای اروپا زیر زمین ها و کافه های بی شماری وجود دارند که مخصوص جوانان هستند ، دختران و پسران نارس و جوانان تازه بدوران رسیده در این اماکن عیاشی درهم می لولند و بارقصیدن و پاکوبیدن دیوارها را بلرزه می آورند ، فرق این کافه ها با کاباره های معمولی اینست که کاباره های معمولی از ساعت ۸ یا ۹ شب شروع شده تا نیمه شب یا صبح ادامه دارد .

در صورتی که کافه های جوانان ظاهراً از بعد از ظهرها شروع شده و تا ساعت ۱۰ شب خاتمه می یابد ، چون جوانان بایست زودتر بخوابند و روزها از کار و مدرسه رفتن باز نمانند! دیگر اینکه در این کافه ها باصطلاح برای عادت نداشتن جوانان بیشتر از مشروبات غیرالکلی استفاده میشود تا در ضمن شبهامست بخانه نرفته و باعث ناراحتی والدین نشوند! راستی اولیاء

امور خیلی بفکر جوانان و والدین آنها هستند؟

اما اینطور نیست؟؟

## بازهم آزادی :

عفت برای خیلی از دختران اروپایی و حفظ ناموس برای اغلب جوانان آنها کلماتی بی ارزش و بدون معنی است، نه تنها پدران و مادران در این راههای فساد مانعی بوجود نمی آورند، بلکه آنها برای پسران و دختران خودشان راه را هموارتر می نمایند !! برای جوانان لباس های الوان می خرند و پولهای توجیبی داده، اوقاتی را با آزادی آنها تخصیص میدهند و آنها را بکلاس های رقص گذاشته، و با اصلاح خودشان هنرمند بار می آورند.



البته باید توجه کرد که در عین حال موارد استثنائی هم وجود دارد خانواده های زیادی هستند که جوانان خود را بیشتر کنترل نموده و آنها را به دو نسبتی درست تربیت می نمایند، و حتی الامکان از وارد شدن آنها به مفاسد جلوگیری می نمایند.

ولی بایست گفت که عمالین عده اقلیت که می را تشکیل میدهند، و گذشته از آنها این ها هم نمی توانند نونهالان خود را صد درصد از مفاسد دور بدارند و حتی در بعضی موارد که تمام مردم هم عقیده هستند کسی نیست که فرضاً بگوید رقص های جدید برای جوانان واجب نیست، یادیدن بیشتر فیلم های سینما غیر از فساد اخلاق ثمری ندارد، در هر حال ما در اطراف اکثریت صحبت می کنیم.



## دوستی بجا و بیجا

امیر مؤمنان میفرماید : « زهدك فی رغبك فیک نقصان حفظ  
ورغبتك فی زاهد فیک ذل نفس » :  
« بی مهربی بکسی که نسبت بتو علاقه دارد بهره تو را در زندگی کم  
میکند، و اظهار علاقه بکسی که نسبت بتو علاقه ندارد مایه ذلت تو است !  
« نهج البلاغه »